

۳ جنایت مقابل دادگستری کرمانشاه

مردی بعد از خروج از دادگاه در شهر کرمانشاه، همسرش، شاهد و وکیل او را با شلیک گلوله به قتل رساند. به گزارش جام جم، پیش از ظهر دیروز، سه‌شنبه چهاردهم بهمن، وقوع تیراندازی در خیابان بنت‌الهدی، مقابل دادگستری کل استان کرمانشاه به پلیس گزارش شد. زمانی که ماموران در محل حاضر

شدند، با جسد فردی در خیابان روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به قتل رسیده بود. همچنین وقتی وارد دفتر وکالتی در محل تیراندازی شدند، با پیکر غرق در خون مرد وکیل و یک زن روبه‌رو شدند که به بیمارستان انتقال یافتند و در آنجا جان باختند. این زن به دلیل اختلاف با همسرش همراه وکیل و شاهد خود به

به مناسبت روز مادر سراغ ۳ مادری رفتیم که فرزندان‌شان قربانی جنایت شدند

روایت ۳ مادر از دوراهی بخشش و قصاص

قتل درو دارد که یک روی آن قاتل و روی دیگر اولیای دم هستند. قاتلی که جانش به تصمیم اولیای دم بستگی دارد و اولیای دم که در دوراهی بخشش و قصاص مانده‌اند. از طرفی داغ فرزند، پدر یا مادر دیده‌اند و از طرف دیگر قرار است جان یک انسان دیگر را بگیرند. این تصمیم برای مادرانی که داغ فرزند دیده‌اند سخت‌تر است. از طرفی آنها داغ فرزند دیده‌اند و نمی‌خواهند مادر

محمد غمخور

دبیر حوادث

ببخشم، خجالت می‌کشم

اردیبهشت ۹۸ وقتی مادر، بیتا را تحویل پدرش داد، فکر نمی‌کرد آخرین وداع خود با دخترکش باشد. همان روز بیتا همراه پدر و نامادری‌اش، قربانی جنایتی هولناک شدند و مرد شیشه‌ای آنها را ر باغ گوجه‌سبز دروآمین به قتل رساند. حدود دو سال از این جنایت گذشته و مادر بیتا، منتظر اجرای حکم قاتل است و هنوز تصمیمی برای بخشش ندارد.

چطور متوجه قتل شدید؟

روزی که قتل اتفاق افتاد، بیتا پیش من بود و پدرش عصر همراه همسرش در نزدیکی محل قتل با من قرار گذاشتند و بیتا را تحویل گرفتند. فردای آن روز مادر بزرگ بیتا با من تماس گرفت و گفت هرچه پیگیر هستیم، خبری از آنها نیست و تلفن‌هایشان را جواب نمی‌دهند. من با مدرسه دخترم تماس گرفتم که مدیرش گفت امروز بیتا به مدرسه نرفته است. ساعت ۲ بعدازظهر به محلی که بیتا را تحویل پدرش داده‌بودم، رفتم و به جست‌وجو در آنجا پرداختم. سه ساعت بعد خودروی پدر بیتا را پیدا کردم و با ۱۰ تماس گرفتم و وقتی ماموران آمدند تحقیقات برای افشای راز قتل آغاز شد.

ابتدا به ما هم مشکوک بودند و چند روز تحت تعقیب بودیم. سرانجام ماموران با ردیابی تماس‌های پدر بیتا به متهم رسیدند و او را دستگیر کردند.

اولین بار چه زمانی با قاتل روبه‌رو شدید؟

اولین دیدار آرم‌ها بود. حدود هفت ماه بعد از



قتل.

واکنش قاتل چه بود؟

در حیات منتظر بودم تا بیاید وقتی آمد با این‌که قبلا او را ندیده‌بودم، شناختمش. به‌شعبه رفتیم که ابتدا با تعجب به من نگاه می‌کرد. در نهایت خودم را به او معرفی‌کردم و عکس بیتا را نشانش دادم و گفتم من مادر این بچه هستم که او با برحمانه کشتی. سرش را پائین انداخت. ابتدا می‌گفت بیا دستان من را قطع کن، شرمندهم بیا مرا بکش. در آن زمان در حال خودم نبودم.

۱۴بهمن در جلسه دادگاه دومین دیدار ما بود. در آنجاسعی می‌کردخودش را توجیه‌کننده پدر بیتا به من حمله‌کردو من قصد دفاع از خودم را داشتم. قاضی پرسید چرا زنی‌اش را کشتی؟ که در جواب‌گفت به‌صورت‌م اسپری فلفل زده‌که نتوانستم خودم را کنترل کنم و او را زدم. درباره قتل بچه هم‌گفت بچه

چیزی نشدم.

علت درگیری چه بود؟

هنوز هم نمی‌دانم. قاتل مرد ۴۹ساله‌ای بود. یک بار گفتند، او قصد میانجیگری داشته که کشته شده است. بعد گفتند با قاتل اختلاف حساب داشته است.

چه شد قاتل را ببخشیدید؟

ابتدا قصدی برای بخشش نداشتم. او جگرگوشه‌ام را از من گرفته بود. برای دیدن او بالای چوبه دار لحظه‌شماری می‌کردم. وقتی زمان اجرای حکم را اعلام کردند، ترسیدم دچار عذاب وجدان شوم و غم دیگری، غیر از غم از دست دادن پسرمر، به غم‌های من اضافه شود. مادر پیر قاتل هم از من خواسته بود، کاری کنم او مرگ بچه‌اش را نبیند. در یک دوراهی گیر کرده بودم. از پسرم خواستم راه درست را نشانم دهد. شب قبل از بخشش، پسرمر به خوابم آمد. نیم متر از سطح زمین ارتفاع داشت. پاهایش روی زمین نبود.

ضمانتی که در دسر شد

روزگار با این زن خوب تا نکرده و او بعد از فوت همسرش با سختی و دو شیفت کار کردن، بچه‌هایش را بزرگ کرد و سر و سامان داد. او ابتدا کلیه‌اش را اهدا کرد و بعد با بخششی بزرگ، قاتل فرزندش را بخشید. بعد از این بخشش هم برای این‌که مشکل مهندس جوانی حل شود، ضامن او شد تا وام بگیرد. اما مرد جوان بعد از گرفتن وام فراری شد. بانک سراغ ضامن آمد و این زن را تهدید کرد اگر اقساط را پرداخت نکند، حکم جلبش را می‌گیرند.

ابهت پوشالی شرور مجازی شکست

نشان داد، شاکی که در خرید و فروش ارز فعالیت داشته از طریق سایت‌های خرید و فروش کالا، با این فرد آشنا می‌شود. در روز حادثه او برای فروش ارز به آدرس اعلامی از سوی خریدار می‌رود که در اقدامی غافلگیرانه فرد شرور همراه ۲ نفر دیگری را محاصره کرده و پس از ربودن و انتقال شاکی به مکانی نامعلوم، تمامی موجودی کارت بانکی او را به مبلغ ۴۵۰ میلیون تومان برداشت می‌کنند و پس از سرعت خودرواش متواری می‌شوند. با بررسی سوابق متهم

جیب‌زد و ترسیدم. دستم را مقابل دهانش گرفتم. خواستم صدایش را ببرم که از حال رفت. این در حالی بود که پزشکی قانونی قطع شدن شریان‌های حیاتی را علت مرگ بی‌تا اعلام کرده بود.
شما در فضای مجازی خیلی فعال هستید، چه شد به فکر فعالیت در این فضا افتادید؟
از روزهای اول پیگیر بودم که قضیه را رسانه‌ای کنیم تا زودتر قاتل محاکمه و مجازات شود. به همین خاطر در فضای مجازی فعالیت خود را آغاز کردم.

الان پرونده در چه وضعیتی است؟

حکم قصاص قاتل صادر و در دیوان عالی کشور تأیید شده است. ما درخواست اعدام در ملاعام را داریم اما جامعه بین الملل روی ما حساس است و نمی‌شود حکم را در ملاعام اجرا کرد.

احتمال دارد روز اجرای حکم، رضایت بدهید؟
هرگز رضایت نمی‌دهم. اگر رضایت بدهم، خجالت می‌کشم از زندان بیرون بیایم.

این خجالت به خاطر فالورهایتان نیست؟

فالورر به من قدرت و انرژی می‌دهد و این موضوع غیرقابل انکار است. من پیچ هم نداشتم حکم را اجرا می‌کنم. به نظر شما، فالورری که امروز فحش می‌دهد فردا می‌گوید دمت گرم، قابل اتکا است؟
برخورد کاربران فضای مجازی با اصرار شما برای اجرای حکم چطور است؟

اولایل می‌گفتند چرا می‌خواهی اعدام کنی؟ اما وقتی متوجه جنایت و قساوت قاتل شدند، تأکید داشتند حکم را حتما اجرا کن و این قاتل باید

دادگستری استان مراجعه و پس از پایان دادگاه، همراه وکیل و شاهد خود به دفتر وکالت رفته بودند. شوهر این زن نیز در این هنگام با استفاده از یک قبضه کلت کمری، به سمت آنها شلیک کرده و باعث مرگ آنها شده است. قاتل در محل تیراندازی دستگیر شده است.



ششم مرداد ۹۶ آخرین دیدار مادر با مهران ۱۶ساله بود؛ پسری مهربان که هنوز مادر

با اجرای حکم قصاص هم نتوانسته جای خالی او را پر کند. چهار ماه از اجرای حکم قصاص قاتل گذشته و مادر از اجرای حکم پشیمان نیست.

تلخ‌ترین اتفاق زندگی‌تان چطور رقم خورد؟

مهران عادت نداشت شب تا دیر وقت بیرون بماند. شبی که حادثه رخ داد او به خانه نیامد و وقتی غیبتش طولانی شد اطراف خانه را جست‌وجو کردیم اما خبری از پسرمر نبود. تا صبح صبر کردیم اما باز هم خبری نشد. در جست‌وجوی او بودیم که خانواده دوستش به نام عدنان مقابل خانه‌مان آمدند و فهمیدیم او هم ناپدید شده است. تا سه روز نمی‌دانستیم که باید به اداره آگاهی برویم و شکایت کنیم و خودمان به دنبال پسرمان بودیم. به ما گفتند به اداره آگاهی برویم که وقتی رفتیم، افسر آگاهی تعجب کرد که چرا دیر برای شکایت آمده‌ایم. شش روز بعد از ناپدید شدن مهران در منطقه ما باران شدیدی شروع به باریدن کرد. سابقه نداشت در آن موقع سال چنین بارانی بیارد. همین باران باعث شد، جسد بچه‌ها از زیر خاک بیرون بیاید و پیدا شود. قاتل بعد از کشتن آنها، جسدشان را در جنگل مخفی کرده بود.

نگیزه‌هاش از قتل‌ها چه بود؟

آن‌طور که ما متوجه شدیم، دخترعمره قاتل همسایه عدنان بود و قاتل تصور می‌کرد عدنان به او علاقه‌مند است که همین باعث درگیری آن دو می‌شود. روز قتل با عدنان تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد با هم قرار بگذارند و آشتی کنند. عدنان همراه پسرمر به محل قرار می‌روند و به دلیل این‌که پسرمر شاهد قتل عدنان بود، کشته شد.

واکنش قاتل بعد از روبه‌رو شدن با شما چه بود؟

قاتلان اتفاقی و عمدی متفاوتند

مریم جنت‌آبادی، حقوق‌دان: قتل‌ها همیشه قرار نیست با اجرای حکم قصاص پایان یابد و در کنار حق اولیای دم برای اجرای حکم قصاص، به بخشش هم توصیه شده است. برای جلب رضایت از اولیای دم و تلاش برای نجات قاتل از مجازات قصاص، دو موضوع همیشه مدنظر است. باید مشخص شود، قتل با برنامه‌ریزی بوده یا اتفاقی. به قتل‌هایی قتل عمد می‌گوئیم که قاتل با برنامه‌ریزی یا با استفاده از سلاح مرتکب قتل می‌شود. برای این قاتلان کمتر پیش می‌آید کسی پادرمیانی کند یا اولیای دم راضی به بخشش شوند. بیشتر بخشش‌ها مربوط به قتل‌های اتفاقی است. قتل‌هایی که بر اثر یک لحظه عصبانیت و بدون برنامه‌ریزی و اتفاقی صورت می‌گیرد. در دعوای خیابانی فرد یک لحظه طرف را هل می‌دهد و او زمین می‌خورد و می‌میرد، ما این قتل را اتفاقی می‌دانیم. یا در دعوای خانوادگی یکی از زوجین به خاطر عصبانیت لحظه‌ای وسیله‌ای اِرت می‌زند که مرگ همسرش را رقم می‌زند. عدم کنترل خشونت، نقطه مشترک قتل‌های اتفاقی است.

حال اینجا این سؤال پیش می‌آید که چه تضمینی وجود دارد که بعد از بخشش و آزاد شدن قاتل، او دوباره مرتکب نشود؟ در این باره باید توجه داشت، وقتی فردی در دعوایی نمی‌تواند خشم خود را کنترل کند، هرگز نمی‌تواند قتل دوم را انجام دهد. چراکه یک‌بار به دلیل عدم کنترل خشم، سال‌ها در انتظار مرگ، زندانی بوده است. تجربه نشان داده این افراد بعد از آزادی اگر دعوایی در خیابان ببینند، مسیرشان را تغییر می‌دهند و از دعوای درگیری فراری هستند. ما که تا حالا مرتکب قتل نشده‌ایم، از آنها بیشتر در معرض اشتباه و خطا هستیم. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، حمایت از مرتکبان قتل‌های اتفاقی بعد از آزادی از زندان است. نباید نگاه مجرم به این قاتلان داشته باشیم و قضاوت‌شان کنیم. آیا مطمئنیم شخصی که مجرم نیست و استخدام می‌کنیم، مرتکب جرم نمی‌شود؟ درز امکان دارد بعد از آزادی از زندان سمت تکرار جرم برود اما این قاتلان که به دلیل یک اشتباه مرتکب قتل شده و در زندان روزها منتظر اجرای حکم بودند، قدر آزادی را می‌دانند و تمام تلاش‌شان این است که سمت ارتکاب جرم نروند.

در پایان باید توجه قصاص حق قانونی و شرعی اولیای دم است و نباید آنها را به دلیل اجرای این حق مورد عتاب قرار داد. آنها بر اساس قتل عزیزی را از دست داده و فراموش کردن او سخت است. از سوی دیگر آنها اجرای حکم را راهی برای پیشگیری از تکرار جنایتی دیگر می‌دانند زیرا در قتل‌های با برنامه‌ریزی، مسلحانه و همراه با سرعت و شرارت قاتل بعد از آزادی دوباره مرتکب قتل شده است. این موضوع در پرونده‌هایی رخ داده است. ^۱

رئیس پلیس آگاهی استان البرز در پایان خاطرنشان کرد: با توجه به احتمال شرارت و جرایم مشابه از سوی سرکرده این باند، بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب کرج، دستور چاپ تصویر بدون پوشش نامبرده را در رسانه‌های جمعی صادر کرده است، بنابراین از شهروندانی که به این شیوه یا توسط این فرد و همدستانش مورد ربایش، سرقت، شرارت و غیره قرار گرفته‌اند درخواست می‌شود برای پیگیری شکایت خود به پلیس آگاهی استان البرز، واقع در میدان طالقانی کرج، ابتدای بلوار تعاون مراجعه کنند.

